

پیش‌خواب

«تاریخ دشت مغان»

در آینه یک پژوهش نوانشار

سرکشی یک خطه شاخص

در برابر فرقه‌ای تبهکار

■ محمد رضا کائینی

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، می‌کوشد تا تاریخچه خطه‌ای مهم در استان اردبیل را، مورد بازخوانی قرار داده و پرده از برخی سوء تعبیرها و نیز افتخارات تاریخی این منطقه، بردارد. «دشت مغان» از هشت شهر گرمی، انگوت، اسلام‌آباد، بیله‌سوار، پارس‌آباد، جعفرآباد، مغاسر و اصلاندوز تشکیل شده‌است، که قدیمی‌ترین شهر آن، گرمی می‌باشد. طبق منابع، یک‌سوم این دشت در ایران قرار دارد و مابقی، در جمهوری آذربایجان است. دوران اوج مغان نیز، در زمانی بود که کشت و صنعت در این منطقه، در اوج خود قرار داشت، که پس از جدا شدن از مشکین‌شهر، توانست کم‌کم بر ظرفیت‌های خود بیفزاید. طبق تحقیقات باستان‌شناسان، تاریخ دشت مغان مربوط به هزاران سال پیش است و وجود اشیای تاریخی بسیار – که اکنون در موزه‌های شهرهایی همچون تبریز و اردبیل و… موجود می‌باشند – گواهی بر این مدعاست. همچنین آب و هوای مناسب این دشت نیز، نه تنها در استان بلکه در کل منطقه آذربایجان، نمونه است. خاک هر سه شهر مغان، بسیار ارزشمند است و طبق اظهار نظر کارشناسان کشاورزی، محصول‌دهی خاک این شهرها، از دیگر مناطق بیشتر است. به هر روی «تاریخ دشت مغان» می‌کوشد که علاوه بر تمامی ساحت‌های تحقیق خویش، نحوه رفتار مردمان این منطقه در دوران حاکمیت حزب دموکرات آذربایجان را، نمایان سازد. میرینی عزیززاده مؤلف اثر – که توسط مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران روانه بازار نشر گشته- در دیباچه خویش بران، در باب رفتار بزرگان و مردم این منطقه در دوران حاکمیت فرقه مزبور، چنین آورده



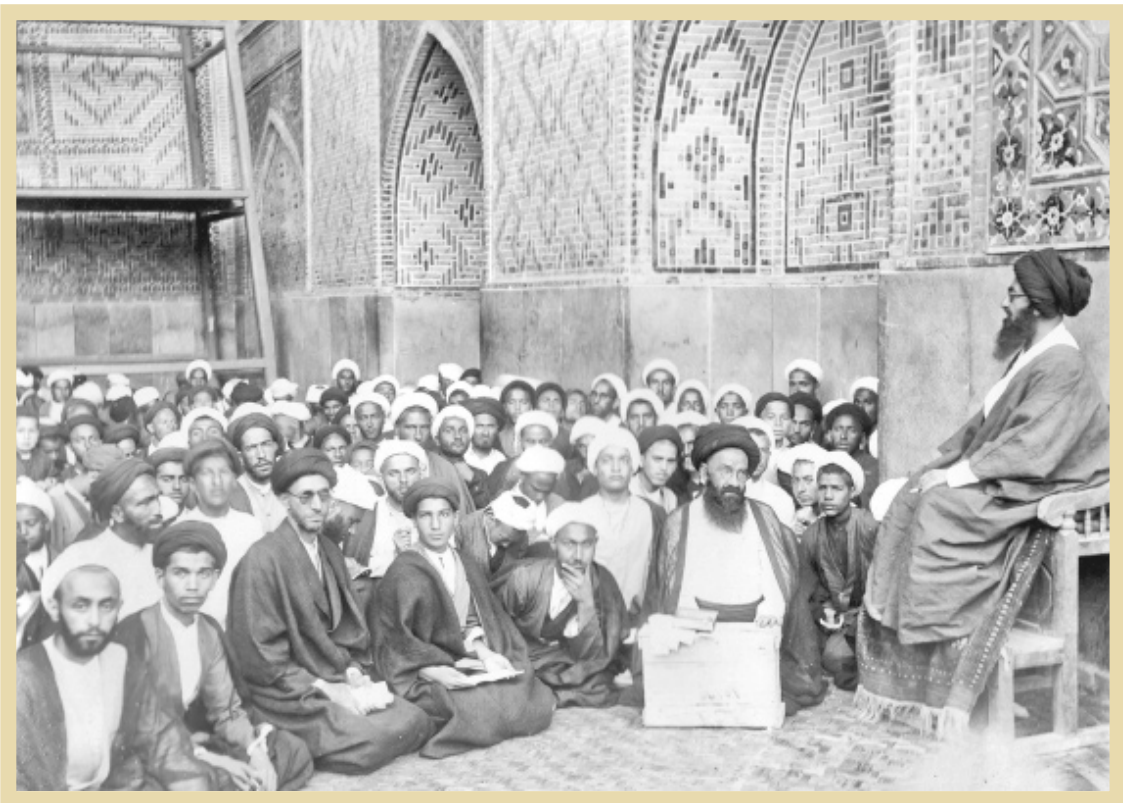
سیدجعفر پیشکش، رهبر فرقه دموکرات آذربایجان

است: «در حادثه شوم حاکمیت فرقه دموکرات آذربایجان، بزرگان غیرتمند دشت مغان علاوه بر اتحاد سیاست احتیاط‌آمیز و مصلحتی در راستای حفظ جان و مال عشایر از گردن روسیه و مأموران آنها، دو پایگاه مقاومت در شرق و غرب این منطقه ایجاد کرده و تا آخرین لحظه، به خواسته‌های نامشروع این فرقه تن ندادند.ا در همین حادثه، تعدادی از فرزندان عشایر در جبهه‌های جنگ با عوامل شوروی سابق و فداییان فرقه دموکرات کشته و زخمی شده و عده‌ای از بزرگان آنها، در دادگاه‌های فاشیستی این تشکیلات بیگانه پرست محکوم به اعدام شدند.

عظمت و ارزش کار بزرگان شاهسون، زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم بسیاری از نخبگان و روشنفکران تبریز و اردبیل با عناوین آزادپخواه، سوسپال دموکرات و حزب توده، به آسانی در مقابل خواسته‌های فرقه دموکرات آذربایجان تسلیم شده و طوق بندگی جایتکار بزرگ تاریخ ایران، آذربایجان و شوروی، یعنی ژوزف استالین رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی را، بر گردن نهاده و حاضر شدند سر از پیکره ایران جدا سازند! با وجود اهمیت راهبردی این سرزمین در تاریخ باستان و بعد از اسلام منطقه آذربایجان و کشور ایران، جایگاه تمدنی و رسالت و نقش سازنده مردم این خطه تاریخمند، در متون تاریخی آذربایجان به روشنی ترسیم و مشخص نشده‌است و حتی در برخی مواقع، این نقش‌ها و تحولات تاریخی، از دیدگاه‌های خاص پژوهشگران، با بی‌اعتنایی و نگاه تحقیرآمیز مواجه شده است. همین مهم، لزوم انجام پژوهش‌هایی از جنس آنچه در دست داریم را، بیشتر می‌سازد. در این اثر سعی شده است که در حد مقدور، این موارد مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.»

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷



جستارهایی در پیوند حزب برادران با نهضت امام خمینی در شهر شیراز

پیروان سید سربازان امام شدند!

در ماه گذشته و در تکریم مکانیت اجتماعی و سیاسی زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدنورالدین حسینی هاشمی، مقالاتی در این صفحه نشر یافت. در مقال بی‌امده که توسط فرزند آن بزرگ به نگارش درآمده– پیوند حزب برادران با نهضت اسام خمینی در شهر شیراز، مورد بازخوانی و بازنمایی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **بستر سازان فرهنگی و سیاسی نهضت اسلامی در شیراز**

نگاهی ژرف‌اندیشانه به سیر حوادث آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲، حضور و نقش سه بخش از عناصر بستر ساز فرهنگی را، که به صورت سه عنصر تأثیرگذار، در تحولات اجتماعی شهر شیراز رخ نموده و حوادث را به سوی اوج‌گیری به پیش برده‌اند، نمایان می‌سازد. این سه بخش، به قرار ذیل هستند:

۱- مرجعیت محلی

۲- جامعه روحانیت شیراز

۳- هیئات مذهبی شیراز

۱- **عامل مرجعیت محلی**

مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی، چون در مقام مرجعیت محلی مردم شیراز قرار داشت و دارای نفوذ معنوی در قاطبه مردم متدین و مذهبی شیراز و استان بود، حمایت بی‌دریغ وی از اندیشه و حرکت تاریخ‌ساز امام در سرآغاز نهضت اسلامی ایران، نقشی بی‌دیل در اوج‌گیری و گسترش اقبال مردم به نهضت داشته و بدون شک، دستگیری و انتقال ایشان به تهران و محبوس شدن آن بزرگوار همراه با امام‌امت، در آستانه جنبش خونین نیمه خرداد، نخستین عامل برافروخته شدن آتش انقلاب در شیراز بوده است.

۲- **جامعه روحانیت شیراز**

پشتوانه قدرتمند اقدامات آیت‌الله محلاتی در سرآغاز انقلاب اسلامی در جنوب کشور، «جامعه روحانیت شیراز» بود، که این مجموعه نیرومند مذهبی، خواسته‌ها و برنامه‌های مورد نظر آن بزرگوار را، در جهت پیشبرد انقلاب به شکوفایی لازم رسانده و کاربردی و قابل اجرا ساخته و نهایتاً موجب پیشرفت امور مورد نظر ایشان را، فراهم می‌نمودند. در همین جای باید یادآور شد که بخش عمده‌ای از فعال‌ترین و برجسته‌ترین اعضای جامعه روحانیت شیراز، در این مرحله حساس از تاریخ معاصر ایران، بزرگانی هستند که پیش از این با مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی سیدنورالدین حسینی الهاشمی شیرازی «در راه حفظ استقلال ایران در ظل لوی‌المذهب جعفری» هم‌عهد و هم‌قسم شده و در ایام حیات پربرکت ایشان، آموزش و پرورش لازم را در پرتو ارشاد و هدایت آن بزرگوار، دیده و ساقیه حضور در میدان مبارزات سیاسی را یافته و در طول سال‌های متمادی، در کوره حوادث اجتماعی به خوبی ساخته و پرداخته شده بودند. لذا در ایجاد پدیده‌های سیاسی- اجتماعی آغاز انقلاب اسلامی، می‌توانند با بصیرت و اطمینان موضع‌گیری نموده و با حضرت آیت‌الله العظمی محلاتی، کاملاً تعامل فکری و هماهنگی یافته و کار جامعه را در جهت آرمان‌ها و اهداف امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی، به پیش برده و رژیم وابسته پهلوی را، قدم به قدم به عقب‌نشینی وادار نموده، روحیات الهی و انقلابی مردم مسلمان را اوج و اعتلا بخشد.

۳- **هیئات مذهبی شیراز**

در ادامه این مقال، خواهیم گفت که آیت‌الله‌زاده

فعال و فداکارانه خود را در سرآغاز نهضت اسلامی در سال‌های ۴۱ و ۴۲، به درستی ایفا کردند.

■ **بازشناخت ۴چهره درخشان انقلاب در شیراز**

در اینجا شایسته‌ست است از میان گروه قابل توجهی از عناصر برجسته روحانیت، که در سرآغاز انقلاب اسلامی ایران در پیوند و انصال یافتن باران آیت‌الله شیرازی با نهضت تاریخ‌ساز امام خمینی نقش بسیار مؤثر داشته‌اند، به معرفی سه چهره درخشان- از همگی هنوز قدر آنان در تاریخ انقلاب، بدان سان که باید شناخته نشده است- بپردازیم.

۱- **آیت‌الله عبدالحجیم ربانی شیرازی**

نخست‌باید از چهره ممتاز، نستوه و پرشکوه شهید مظلوم، آیت‌الله حاج شیخ عبدالحجیم ربانی شیرازی سخن گفت که در حقیقت، سزاوار است از آن بزرگمرد در عنوان حلقه واسط نهضت آیت‌الله شیرازی با انقلاب تاریخ‌ساز امام خمینی، یاد شود. او در جوانی، از سرشناس‌ترین و نیرومندترین یاوران آیت‌الله شیرازی به شمار می‌آمد و همواره آماده پذیرش خطیرترین مأموریت‌ها از سوی ایشان بود و به تعبیر رایج در آن دوران «شمشیر دست حاج سیدنورالدین» محسوب می‌شد. شخص ایشان نیز در میان دوستان خود، در ادوار متفاوت انقلاب بارها فرموده بودند: «من در مکتب ایشان تربیت شده و پرورش سیاسی خود را، مدیون حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدنورالدین حسینی الهاشمی هستم!» نقش محوری آن مجاهد بزرگوار در تمام مراحل دشوار انقلاب اسلامی، از لحظه آغازین نهضت تاریخ‌ساز، تا زمان شهادت مظلومانه او زندمیداد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

۲- **حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین ساجدی**

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین ساجدی، از نزدیک‌ترین دوستان اران و یاوران آیت‌الله شیرازی و سومین فردی است که در اوج دیکتاتوری رضاخان، در عقد اول حزب برادران با رهبر خود هم‌قسم شده و در طول مبارزات سیاسی آن بزرگوار، یکی از نیرومندترین اعضا و سخنگویان حزب برادران و مدیر دایره تبلیغات حزب، به شمار می‌آمده است. آن زنده‌یاد در دوران پهلوی به تحصیلات دانشگاهی وارد درجه لیسانس موفق شده و در چند شهر و شهرستان، به مقام ریاست فرهنگ رسیده و به دریافت نشان درجه یک و درجه دو علمی، نائل آمده بود. از سرآغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۴۱ تا سرانجام پیروزی آن در سال ۵۷، اغلب نشست‌های جامعه روحانیت شیراز، به واسطه تلاش و پیگیری این چهره فعال و مخلص بوده است. بخش عمده‌ای از این جلسات، در منزل بسیار ساده و در محیط باصفای زندگی او، تشکیل شده است. در طول سال‌های سال در جامعه روحانیت شیراز، کمتر کسی چون آن شادروان، واسطه اتصال همه شخصیت‌های روحانی شهر و عامل دوام وحدت و همدلی برای پیشبرد اهداف امام خمینی بوده است.

۳- **حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمنیرالدین حسینی هاشمی**

بزرگ‌ترین فرزند پسر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سیدنورالدین حسینی الهاشمی شیرازی، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی»، که در دوران پر تب و تاب آغاز نهضت اسلامی و در اوج جوانی، همه تلاش خود را در جهت هرچه فعال‌تر و استوارتر نمودن پیوند یاران پدر، با انقلاب تاریخ‌ساز امام به کار گرفت و تمامی نیرو و توان خود را، در مسیر انجام این تکلیف الهی خود بذل نمود. نقش تأثیر آن عزیز در به انجام رساندن این وظیفه مذهبی- سیاسی را، باید در دوزمینه سرنوشت‌ساز زیر مورد قنار قرار داد:

د

بدون تردید، باید مختصات شهر شیراز در آغاز نهضت اسلامی را، عمدتاً بر اساس شرایط درونی شهر، مورد کاوش و پژوهش قرار داد. قیام یازدهم و شانزدهم خرداد، بر اساس کارایی و توانایی‌های عوامل درونی شهر، صورت گرفته است. در فرآیند تحقیق، باید آرایش قوای فعال و مؤثر سیاسی- مذهبی داخل شهر و استان را باز شناخت و در این صورت اول مرجعیت محلی، دوم جامعه روحانیت شیراز و سوم هیئت‌های مذهبی، در صدر عوامل تأثیر گذار قرار دارند

الف: پیوند روحانیت معتقد و علاقه‌مند به منشی و مرام آیت‌الله شیرازی با انقلاب اسلامی

چنانچه گفته شد، بخش زیادی از شخصیت‌های جامعه روحانیت شیراز را، یاران روحانی مرحوم آیت‌الله شیرازی تشکیل می‌دادند که آنان نیز عموماً، برای آیت‌الله‌زاده حسینی ارزش و احترامی خاص قائل بودند و رابزنی‌ها و مبادله اطلاعات و افکار با ایشان، غالباً در استوار ساختن مواضع این بخش از روحانیت در طریق انقلاب اسلامی، نقشی بی‌بدیل داشت. در آن مقطع در جلسات صمیمی و محدودی که با دعوت مرحوم ساجدی و با حضور آن گرامی برای پیشبرد اهداف انقلاب تشکیل و در موضوعات مورد نیاز، تبادل نظر و تأمل صورت می‌گرفت، نتایج مشخص‌تر و روشن‌تر در امور مبتلابه به دست آمده و حاصل این جلسات جنبی و دوستانه، در تحرک بخشیدن به حرکت کل جامعه روحانیت شیراز، تأثیری به‌سزا داشت.

ب: ایجاد تحرک انقلابی در بدنه مردم شیراز

آغازده سرشناس و محبوب شهر که پس از رحلت پدر، مصممانه مورد علاقه و محبت اکثریت مردم شیراز واقع شده و چهره و رفتار و حتی قد و قامت او در جامعه، یادآور مرحوم آیت‌الله شیرازی بود، پس از رحلت آیت‌الله العظمی به بروجردی، به راه امام خمینی پیوسته و با موضوعی گری‌های قاطع و روشنگری‌های مخلصانه خود، حجت را در حقانیت انقلاب بر همگان تمام می‌نمود. آن عزیز با تماس‌های و جلسات طولانی و هدایت‌گرانه خود و بهرمنندنی از قدرت استدلال و همه‌موانع و ابهامات ذهنی عقیده‌مندان به پندر خویش را، نسبت به صحیح و به‌حق بودن نهضت اسلامی و رهبر بزرگوار آن برطرف نموده، قسم‌خوردگان و عقیده‌مندان به پدر را، به سودی قرار گرفتن در روند جریان انقلاب اسلامی ایران فرامی‌خواند و با هشدارهای جدی خویش به مخالفان و مقابله بی‌پروا با اختلاف‌انگیزان و اعصاب‌آماجی برای فداکاری و جان‌فشانی در راه‌اهدافتن و آرمان‌امام عزیز، راه عبور انبوه نیروهای دوستدار پدر را به سوی مسیر انقلاب اسلامی، از درون دشواری‌ها و مشکلات ویژه آن روزگار، می‌گشود.

■ **نگاهی به آمار تقریبی معتقدین به آیت‌الله شیرازی در سرآغاز انقلاب اسلامی**

در زمان حیات حضرت آیت‌الله شیرازی، یاوران و معتقدین به ایشان، منحصر در اعضای هیئات مذهبی و کم‌تطین مستقیم با آنها نبوده‌اند و با اندک سی، دقت، می‌توان جمعیت کثیر حمایت‌کنندگان از ایشان را، به سه گروه ذیل تقسیم نمود:

۱- کسانی که به شخص آیت‌الله شیرازی و صداقت و درستی و حقانیت ایشان معتقد بوده، اما به هر علنی، عضو رسمی حزب برادران نشده بودند. اینان غالباً در روز حادثه، به انگیزه دفاع و حمایت از رهبر دینی خود، در متن خداداده حضور می‌یافته‌اند.

این دسته حداکثر، ۱۰ درصد از جمعیت‌های انبوه حزب برادران را، تشکیل می‌داده‌اند.

۲- کسانی که عضو حزب برادران بوده‌اند، لیکن به هیچ‌به‌هیئت خاصی وابسته و تعلق نداشته و غالباً برای استفاده معنوی، در جلسات هیئت‌های مختلف شرکت نموده و با فعالان هیئت‌ها آشنایی داشته و در زمان حمایت از آیت‌الله شیرازی، و حوادث سیاسی- اجتماعی حضور می‌یافته‌اند.

اینان نیز حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد، از مرتطبین و اعضای حزب برادران بوده‌اند.

۳- اعضا، فعالان و مرتبطین به هیئت‌های مذهبی، که بی‌شک سازمان یافته‌ترین عناصر مؤثر در حیات سیاسی- اجتماعی شهر شیراز، در دوره حیات آیت‌الله شیرازی بوده و حوادث مهم، به یمن همت و حضور آنان شکل می‌گرفته است. اینان در صحنه‌های حمایت و دفاع از رهبر خود و پیشبرد مقاصد او، حضوری چشمگیر و حدوداً ۶۰ تا ۷۰ درصدی داشته‌اند و نقش آفرین اصلی در تحولات سیاسی- اجتماعی آن دوره شیراز بوده‌اند. البته پس از رحلت آیت‌الله شیرازی، این نسبت‌های آماری به‌هم خورده بود!اغلب حاضران در صحنه‌های سیاسی آغاز نهضت اسلامی، به رهبر فقید خود آیت‌الله سیدنورالدین، دلچسگی و اعتقاد داشتند و نهضت روحانیت و انقلاب نوظهور دینی به رهبری امام خمینی را، در راستای هدف و آرمان‌های آیت‌الله شیرازی می‌دانستند. لیکن حضور آنان در صحنه‌های اجتماعات سیاسی- انقلابی آن روز، تابع ارتباط

۹ |روزنامه جوان |شماره ۶۱۸۹

و یا هماهنگی با هیئت‌های مذهبی و در گرو رد و قبول رؤسای هیئت‌های شهر نبود، بلکه شور و عشق و هیجان اینان، هیئت مذهبی را به میدان می‌آورد و روحانیت در این ماجرا، نقشی تعیین‌کننده و بسیار مؤثر یافته بود. با این همه آنچه بسیار حساس و عمیق می‌نماید، آن است که حصول رشد ملی در شیراز، که در حقیقت حاصل عمر آیت‌الله شیرازی بوده‌است، این شهر را تبدیل به کانونی نموده بود که پس از تهران و قم، شاهد بالاترین حضور مردمی و رشد انقلابی شده بود و فراموش نکنیم که در نیمه خرداد ۴۲، فقط در سه شهر ایران مردم به خاک و خون کشیده شدند: تهران، قم و شیراز. البته روشن است که دیگر شهرهای میهن عزیز ما هم آرام نبودند، لیکن میدان اصلی حضور انقلابی مردم و کشتار ناجوانمردانه رژیم سفاک، همین سه شهر بود.

■ **روحانیت و نهضت اسلامی**

این درست که روی سخن امام امت، در تمامی مراحل انقلاب با کل جامعه بوده است، لیکن اگر دقت کنیم مخاطب اول این پیام در جامعه، روحانیت بوده و تمام اقشار و گروه‌های دیگر، در رابطه با جامعه روحانیت بود، که تحت تأثیر پیام انقلاب واقع شدند. می‌توان گفت که آن بزرگوار، در آغاز نهضت اسلامی، کل جامعه را به شکل آرام و طبیعی، از طریق روحانیت سازمان و سامان بخشیده است و پس از اندکی جامعه روحانیت در سراسر کشور، نه تنها به ابلاغگر پیام انقلاب و تقویت‌کننده صلا‌ی روح‌بخش آن چهره بی‌بدیل تبدیل شده بودند، که نوعی سازماندهی طبیعی نیروها به‌وسیله روحانیت متعدد و مسئول در راستای حرکت امام امت، در همه مملکت به وجود آمده بود. روحانیت در ارتباطات مردمی خود، همواره نیرومندترین و کارسازترین عناصر دارای تعهد دینی را، به خوبی می‌شناسد و غالباً از چند و چون جلسات مذهبی در محل زندگی و محیط فعالیت خود، آگاه است و این جلسات در حقیقت هسته‌های طبیعی جامعه را در رابطه با گرایش دینی و مذهبی تشکیل می‌دهند، در لحظات حساس بدون هیچ‌گونه مشکلی، پذیرای رهبری روحانیت بوده و برای پیشبرد امور عالم‌المنفعه و خداپسندانه، اعلام آمادگی می‌کنند. اگر دقت کنیم همین جلسات، شبکه‌ای گسترده، خودجوش و فعال از نیروهای متعهد مذهبی را، در آغازین گام‌های نهضت اسلامی، در سراسر کشور در اختیار روحانیت قرار می‌داده است. توجه کنید که در آن دوره هیئت‌های مذهبی، شکل مستقیم و استواری گرفته از نهضت و استعمار تاریخی و پذیرفته و تکامل یافته همین جلسات مذهبی هستند، که قدرت بروز اجتماعی یافته‌اند.

■ **نیمه خرداد در شهرهای قم و تهران**

قم به عنوان دومین شهر مقدس ایران، پایگاه اصلی روحانیت و دربردارنده قوی‌ترین حوزه علمیه کشور و مرکز اصلی قیام امام خمینی (ره) است. روشن است که هیئت‌های مذهبی در این شهر، بسیار فراوان و گسترده و در آن زمان داری رابطه گرم، مصممانه، مستقیم و چهره به چهره با رهبری انقلاب اسلامی بوده و به شدت تحت تأثیر اوضاع جاذبه‌ی امام خمینی قرار داشته‌اند و طبیعی است که برای اعتراض به دستگیری رهبر مذهبی خود، سر از ناشناخته، قیام کرده و آماده هرگونه فداکاری و جانبا‌زی باشند. تهران نیز با فاصله تقریبی دو ساعت راه در آن زمان، در حقیقت به قم متصل است و در همین نگاه دقیق، قم و تهران در آن شرایط تاریخی، مجموعه‌ای به‌هم پیوسته است که تقریباً به صورت یک واحد گسترده سیاسی- اجتماعی، عمل می‌کند. اخبار حوادث این دو شهر در سال ۴۲، بسیار سریع به یکدیگر منتقل شده و عکس‌العمل‌های سیاسی- اجتماعی لازم و مناسب را، در پی داشته است به گونه‌ای که خواسته‌ها و مطالب مرجعیت قم، به خصوص امام خمینی در آن محرم سال ۴۲، صبحگاهان روشن و مشخص شده و با اعزام پیک به تهران اعلام و قبل از ظهر (از حدود ساعت ۱۰ صبح)، توسط خطیب گرانقدر و توانا مرحوم فلسفی، در منابر این شهر بازگو و به انبوه مردم پایتخت اعزام می‌شده است. اضافه بر آن چه گفته شد، هرگز نباید نقش تاریخ‌ساز هیئت مؤتلفه اسلامی را در تهران، در این مرحله حساس از تاریخ انقلاب اسلامی ایران، به فراموشی سپرد.

■ **نیمه خرداد در شهر شیراز**

تحلیل حوادث قم و تهران بسیار ساده و روشن است، اما در مورد شیراز، یعنی شهری که در آن زمان با فاصله‌ای دور از مرکز انقلاب قرار داشته است و با نبود وسایل اطلاع‌رسانی و خبریابی جدید حتی تلفن بین‌شهری، نمی‌توان آن را همانند قم و تهران، در یک مجموعه واحد تلقی کرد. فراموش نکنیم که استان و شهر اصفهان، هرچند بر سر راه شیراز واقع شده و بسیار به قم و تهران نزدیک‌تر است، اما متأسفانه فاقد خیزش و قیام در خرداد ۴۲ است و همچنین است وضع استان‌های یزد و کرمان و سیستان و بلوچستان و دیگر استان‌های همجوار، بنابراین بدون کارایی و توانایی‌های بی‌نظیر عوامل درونی شهر، صورت گرفته است. باید بچگونگی تأثیر‌گذاری عوامل درونی و آرایش قوای فعال و مؤثر سیاسی- مذهبی داخل شهر و استان را باز شناخت و در این صورت ۱- مرجعیت محلی ۲- جامعه روحانیت شیراز ۳- هیئت‌های مذهبی در صدر عوامل تأثیر‌گذار قرار دارند که در فصول پیشین، شرحی از آن را مطرح ساختیم.